یادداشت

پیامدهای رشد منفی سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی

کاووس واضحی . پژوهشگر اقتصاد سیاسی

● مطابق آخرین آمارهای منتشرشـده از سوی بانک مرکزی، میزان سـرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در سـال ۹۴، حدود ۱۳ هزار میلیارد ریال بوده که نسبت به سـال ۹۳، ۲۷,۹ کاهش داشته است. در سال‌های ۹۲ و ۹۳ نیز سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی از رشد بسیار نازلی معادل ۰,۲ درصد برخوردار بوده که البته در مقایسه با سـال ۹۱ امیدبخش بود. سرمایه‌گذاری کشاورزی در سـال ۹۱ به نسبت سال ۹۰، کاهش ۴۱,۴ درصدی را در کارنامه خود به ثبت رسـانده است. اگر بخواهیم رشد سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را بین سال‌های ۹۴ و ۹۰ مقایسه کنیم، رقم مأیوس‌کننده‌تری خواهیم یافت. از سال ۹۰ تا ۹۴ ما در بخش کشاورزی با کاهش ۵۸ درصدی سرمایه‌گذاری مواجه بوده‌ایم. ایـن آمارها برای آینده کشـاورزی ایـران نگران‌کننده است. آیا علامت‌ها و شـاخص‌هایی مانند رشد بالای پنج درصد در کشاورزی و خودکفایی در گندم، روشنی دم غروب هسـتند؟ آیا خانه را پای‌بسـتی لرزان است و ما در بند نقش ایوانیم؟رشـد منفی سـرمایه‌گذاری آثـار زیان‌باری برای ایـن بخش خواهد داشـت. در واقع فرودی اسـت با هزاران نشیب، یک گام به عقب اسـت در حین جنگ. نه یک گام تاکتیکی بلکه گامی از سـر ناچاری. اخلال در فرایند «انباشـت سرمایه» و «دهقانی‌ترشدن کشاورزی» ایران مهم‌ترین آثار کاهش سرمایه‌گذاری‌ها در بخش کشاورزی خواهد بود. بدون شک «سرمایه» بنیادی‌ترین عامل در توسعه کشاورزی است. سرمایه، از طریق فشـار بر نظام تولیدی، نقش «محلـل» دارد و موجبـات دگرگونی در کشـاورزی خواهد بود. نقش سـرمایه در نظام دهقانی به‌مراتب پراهمیت‌تر از نظام‌های دیگر است. در نظام فئودالی/ ارباب-رعیتی اساسا به‌دلیل کالایی‌نشدن نیروی کار و دیگر ابزارهای تولید و همچنین دریافت و پرداخت‌های عمدتا جنسـی، سـرمایه هنوز به‌عنوان عوامل تولید ضرورت نیافته است. در تولید سرمایه‌داری/ کشاورزی صنعتی هم سـرمایه، اهمیت نظام دهقانی را ندارد، زیرا تولید صنعتی مبتنی بر بازتولید «گسترده»، کسب سود و انباشت سرمایه است. در حقیقت منطق تولید صنعتی ایجاب می‌کند بخش مهمی از ارزش اضافی به‌گونه‌ای تولیدی در قالب نیروی کار، موادخام، ماشین و... انباشت شود؛ بنابراین شیوه تولید، آن زمانی که به مرحله سرمایه‌داری ارتقا پیدا کرد، درواقع درون خود بی‌نیاز از سـرمایه اسـت. به‌علاوه اینکه این واحدها به‌راحتـی می‌تواننـد از نظام بانکی تسـهیلات مالی دریافـت دارند؛ اما در تولیـد دهقانی وضع دیگرگونه اسـت. تولید دهقانی، هم در مرحله «بقا» به سرمایه و پول نیاز دارد و هم در مرحله «ارتقا» به شـیوه تولید بالاتر. در نتیجه در شـرایط نبود سـرمایه از دو جهت زیان می‌بیند. سرمایه در کشاورزی یا از محل انباشت از درون نظام تولید تأمین می‌شود یا از سرمایه‌گذاری‌های دولت. منبع دیگری هم هست: سرریز سرمایه‌ها از دیگر بخش‌های اقتصادی، مانند صنعت و تجارت. به‌منظور سـاده‌کردن تحلیـل، فعـلا از مورد اخیـر صرف‌نظر می‌کنم. سرمایه‌گذاری دولت در کشاورزی با توجه به درآمدهای سرشار نفتی؛ اما سرمایه‌گذاری‌های دولت در این زمینه همواره کمتر از شـش درصد بوده است. در صورت ناکافی‌بودن سـرمایه‌گذاری‌های دولت در بخش کشـاورزی، انباشت سرمایه از درون نظام تولید بسیار حیاتی است. پیشاپیش می‌دانیم ایران به‌صورت تاریخی با مسـئله انباشت مشـکل دارد. آن زمان که «مارکس» در جلد اول کتاب کاپیتال، مسـئله انباشت بدوی سرمایه را [با تمرکز بر انگلستان] مطرح می‌کرد، یـادش نرفته بود کـه به سـخت‌جانی و مرارت‌های این فرایند در شرق دنیا اشـاره کند. از دیدگاه مارکس، انباشـت اولیه، حاصل سـلب مالکیـت از دهقانان است. در چارچوب دسـتگاه نظری مارکس، در ایران، هنوز پروسـه «انباشـت اولیه» انجام نشـده اسـت. پژوهشـگران ایرانی، مسئله سلب مالکیت در ایران را [با قیاس اصلاحات ارضی با سلب مالکیت از دهقانان انگلسـتان] فیصله‌یافته می‌دانند. از دیدگاه نگارنده، مسئله سلب مالکیت و انباشـت اولیه در ایران هنوز مفتوح اسـت. در فرایند اصلاحـات ارضی، از مالک/ ارباب سـلب مالکیت شـد نه از دهقان. جامعه ایران بعد از اصلاحات ارضی همچنان درگیر سلب مالکیت از دهقان و تمرکز زمین اسـت. فراگیری و گستره تولید دهقانی (با حدود سـه میلیون بهره‌بردار) در شـرایط حال حاضر ایران بر این دلالت دارد که این پروسـه در میانه راه است و هنوز به فرجام نرسیده است. دهقانان عمدتـا با مشـکل «انـدازه زمیـن» و «پس‌افتادگی» کشـاورزی مواجهند. هزینه‌های آنـان همواره بیش از ارزش اقتصادی تولیدات اسـت. آنها گاهی مجبور هسـتند برای تداوم زندگی، سـرمایه و دارایی اصلی خود (زمین و...) را بفروشـند یا اینکه قرض کنند. نیاز آنها به پول با نیاز آنها به سرمایه یکی نیست؛ بنابراین گرایش آنها به پول، گرایش به سـرمایه‌گذاری نیست. نیازهای پولی دهقانان ناشی از نیازهای به‌وجودآمده در خـارج از حوزه تولیـد، مانند لوازم منـزل، ازدواج فرزندان و... است، به‌همین‌دلیل بخشی از تسهیلاتی را که دهقانان با عنوان سرمایه‌گذاری از دولت می‌گیرند، صرف نیازهای جاری زندگـی می‌کنند. نتیجه اینکه؛ نازل‌بودن رشـد اقتصاد ایران در بخش‌های مختلف، موانع تاریخی انباشت سـرمایه از درون نظام تولید و رشد منفی سرمایه‌گذاری‌های دولت، موجب تضعیف بیش از پیـش دهقانان، تجزیه طبقاتی مجدد و حتی رجعت آنها به شـیوه‌های تولید منسوخ‌شـده مانند سهم‌بری می‌شود.

مؤسسه تحقیق و توسعه در نامه‌ای درباره مخاطرات مصوبه احتمالی دولت هشدار داد

معامله کارکنان دولت با خودشان و با پول مردم

شـرق: برخی کارکنان رده‌بالای دولت درصدد هسـتند امکان معامله خودشـان با خودشـان، البته با چندصد هزار میلیارد تومان پول مردم را فراهم کنند.موضوع یک بند مهم از آیین‌نامه‌های اجرائی قانون برگزاری مناقصات است که می‌گوید انعقاد قراردادهای شرکت‌های تعاونی دولت و صندوق‌های بازنشسـتگی آن با دسـتگاه‌های اجرائی ذی‌ربطشـان انجام شـود. از بهار امسال که این آیین‌نامه در هیئت وزیران مطرح شد، شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصـی، مرکز پژوهش‌های مجلس و مؤسسـه تحقیق و توسـعه صنعت احـداث درباره مخاطرات این مصوبه هشدار دادند. هرچند در ماه مهر این مصوبه از دستور کار خارج شد؛ اما بنا به درخواست سـازمان برنامه و بودجه مجدد در جلسـه آینده هیئت وزیران قرار است به تصویب برسد.

با توجه بـه اینکه حجم معامـلات عمومی بالغ بر ۴۷۱ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شـود، عایدات ناشی از معاملات این ارقام بزرگ، انگیزه کافی برای طرف‌های معاملاتی دولت به حساب می‌آید.

این رده از کارکنان، در ادبیات اقتصاد سیاسی موسوم به «یقه‌سـفیدها» هستند. کسـانی که اختیار طراحی و اجرای معاملات دولتی را دارنـد؛ اما پول این معاملات متعلق به مردم است و ظاهر آن هم برای مردم و به نام مردم صورت‌بندی می‌شود.

البتـه وسوسـه دور از ذهنی نیسـت کـه صاحبان مناصب با خود بگویند: اگر قرار است دیگران سود ببرند، خب خود من سود ببرم؛ تازه من که زرنگ‌تر و باهوش‌تر هم هستم و... .

تـدارکات بخـش عمومـی در دنیـا، سـالانه بالـغ بر ۲۰ درصد تولید ناخالص جهانی

اساسـا آیا ایـن وضعیت محدود به کشـور خاصی است؟ این موضوع در کشور ما مربوط به کدام دستگاه‌ها یا سازمان‌ها و دارای چه ابعادی است؟

معامـلات بخش عمومی سـهم درخورتوجهی در اقتصاد هـر کشـور دارد. معاملات یا تـدارکات بخش عمومی در دنیا، سـالانه بالغ بر ۲۰ درصد تولید ناخالص جهانی است. سهم بالغ بر ۵۰درصدی مخارج مربوط به خریدهای دولتی از بودجه عمومی دولت در کشورهای در حال توسعه نشان‌دهنده اهمیت بالای این معاملات اسـت. این رقم عظیم بسـیاری از اشخاص را در سراسر جهان وسوسه می‌کند. به‌همین‌دلیل برای کنترل نظارت و بهبود این مبلغ عظیم مطالعات و ملاحظات گسترده‌ای در جهان و نیز کمابیش در ایران در جریان است.

این معاملات در کشور ما دربرگیرنده انواع خریدهای کالا و خدمت در «قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی، مؤسسـات انتفاعی وابسـته به دولت، بانک‌ها و مؤسسـات اعتباری دولتی، شـرکت‌های بیمه دولتی، مؤسسـات و نهادهـای عمومی غیردولتی، مؤسسـات عمومی، بنیادها و نهادهای انقلاب اسـلامی، شـورای نگهبان قانون اساسی و همچنین دستگاه‌ها و واحدهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، اعـم از اینکه قانون خاص خود را داشـته یا از قوانین و مقررات عام تبعیت نمایند، نظیر وزارت جهاد کشاورزی، شرکت ملی نفت ایران، شـرکت ملی گاز ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سـازمان بنـادر و کشـتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، سـازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران و شـرکت‌های تابعه آنها» و متجاوز از صدها هزار میلیارد تومان در سال است. برای جلوگیری از گسترش فسـاد و انحراف در ایـن معاملات، قوانیـن و مقررات متعددی وضع شـده اسـت. مهم‌ترین قانون در زمینه کنترل این انحرافات «قانون برگزاری مناقصات» است که در آغاز دهه ۸۰ در مجلس طراحی و تصویب شـد. در آیین‌نامه اجرائی مـاده ۲۶ قانون برگزاری مناقصات، در زیر ماده ۳ حکم شده اسـت که: «تعاونی‌های کارکنان و صندوق‌های بازنشسـتگی نمی‌توانند با دسـتگاه‌های ذی‌ربـط خود قـرارداد منعقد کنند». حدود یک سـال اسـت که عده‌ای از کارکنان دولت در رده‌های بالا مانند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشـور، در پی حذف این ماده و انعقاد قراردادهای دولتی و معاملات عمومی با شرکت‌هایی هستند که خودشان در آنها ذی‌نفع هستند.

مسـئله این است که هر دستگاه دولتی نیاز به خرید کالا یا خدمتی دارد. شرکت‌های متعددی نیز علاقه‌مندند کـه این کالا یـا خدمت را بـه آن دسـتگاه دولتی ارائه دهند تا از سـود آن منتفع شوند. داوطلبان ارائه خدمت یـا کالا به دولت باید در یک فراینـد مناقصه و رقابت با یکدیگر شـرکت کنند که اتفاقا معیارها و روش برگزاری ایـن مناقصه و رقابت را نیز کارکنان آن دسـتگاه دولتی طراحی کرده‌اند. وظیفه ارزیابی و انتخاب فروشنده برتر نیز با همین کارکنان دسـتگاه دولتی است. در ادامه هم پس از انعقاد قـرارداد کنترل کالا یا خدمت ارائه‌شـده به بخش دولتی همین کارکنان دسـتگاه دولتی هستند. تصویب‌کننده تغییرات و اصلاحات قراردادی و پرداخت وجوه عمومی یا بیت‌المال به فروشنده کالا یا خدمت نیز بر عهده همین کارکنان دستگاه دولتی است.

حالا تصور کنید شـرکت تعاونـی متعلق به همین کارکنان دستگاه دولتی است. در مناقصه همان دستگاه دولتی شـرکت کرده تا با دیگر داوطلبان معامله رقابت کند. این بار داوران محترم مسـابقه یا مناقصه، خودشان ذی‌نفع ایـن مناقصه و قرارداد هسـتند. رقابت چگونه رقابتی خواهد بود؟

وقتی شرکت تعاونی متعلق به کارکنان این دستگاه دولتی برنده شـد و با آن دسـتگاه دولتی قرارداد بست، نحوه نظارت و کنترل و هزینه‌کـرد و تغییرات قراردادی و... که باید از سـوی کارکنان این دسـتگاه دولتی انجام شود، بر شـرکتی که آن شرکت هم متعلق به خودشان هست، چه سرنوشتی خواهد یافت؟

اما آیا می‌دانیم این انحراف در معاملات و نظارت بر وجوه عمومی متعلق به مردم دارای چه ابعادی است؟

۴۷۱ هزار میلیارد تومان حجـم معاملات عمومی در کشور

براسـاس کتاب «اقتصاد ایران در سـال ۱۳۹۵» که مرکز پژوهش‌های مجلس منتشـر کرده است، مبلغ این معاملات در ایران به نحو زیر تخمین زده می‌شود:

در ایران، بخش عظیم معاملات کالا و خدمات بخش عمومی از طریق شرکت‌های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و بانک‌های دولتی انجام می‌شود. برای ارائه تخمینـی از حجم این معادلات می‌تـوان از ارقام قانون بودجه سـال ۱۳۹۵ کمک گرفت. به‌این‌ترتیب که اگر ۵۰ درصد مصارف شـرکت‌های دولتی و مؤسسـات انتفاعـی وابسـته به دولـت و بانک‌ها در سـال ۱۳۹۵ (حدود ۳۴۱ هزار میلیـارد تومان) را به اضافه اعتبارات تملک دارایی‌های سـرمایه‌ای (۵۷ هزار میلیارد تومان) در نظر بگیریم، ۳۹۷ هزار میلیارد تومان حجم سـالانه معاملات بخش عمومی در کشور خواهد بود.

انجام همین محاسبات بر اساس ارقام قانون بودجه سـال ۱۳۹۶ چنین خواهدشـد: اگـر ۵۰ درصد مصارف شرکت‌های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و بانک‌ها در سال ۱۳۹۶ (حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان) را بـه اضافه اعتبـارات تملک دارایی‌های سـرمایه‌ای (۷۱ هـزار میلیارد تومـان) در نظر بگیریـم، ۴۷۱ هزار میلیارد تومان حجم سالانه معاملات بخش عمومی در کشور خواهد بود.

هریک از دسـتگاه‌های دولتی نامبرده در بالا، انواعی از شـرکت‌های تعاونـی و بسـیاری از آنهـا انواعی از صندوق‌هـای بازنشسـتگی دارند. وقتی قرار باشـد این شرکت‌های تعاونی و صندوق‌های بازنشستگی متعلق به کارکنان هر سـازمان دولتی با همان سـازمان دولتی قـرارداد ببندد، در این چندصد هـزار میلیارد تومان چه وضعیتی پیدا خواهد شد؟

آیا حکمـی از آیین‌نامه کـه این‌گونـه قراردادهای پرمفسده را منع کرده است، بند بد و نامناسبی است؟

آیا این حکم مانع فساد نیست؟ این حکم چه مشکلی در معاملات دولتی ایجاد کرده است؟

آیـا حذف این حکم بسـیار مترقی و صحیح موجب انبـوه قراردادها و معاملات صـوری (کارکنان دولت با خودشان) نمی‌شود؟

آیـا حذف این حکـم موجب معاملاتی سـطحی و پرداخت‌هایی سـطحی و بدون بررسی نمی‌شود؟ حتی دلیل و انگیـزه‌ای برای انـواع معامـلات غیرضروری، معاملاتی متورم و بسـیار گران بـرای بخش عمومی و غیراقتصادی برای ملت را موجب نمی‌شود؟

آیا این اقـدام دولت واقعا اصلاح مقررات اسـت یا انحراف مقررات؟ این چه روش اصلاح مقررات است که دولت درصدد آن است؟

مرکـز پژوهش‌های مجلـس بر اسـاس مطالعات ۱۵ سـال گذشـته در حوزه قوانین و مقررات معاملات بخش عمومی اعلام کرده است که: درحال‌حاضر انواع «ابهام»، «تناقض»، «تفسـیرپذیری نابجـا»، «ناکارآمدی در تأمین هدف»، «خدشـه بر حقوق و اختیارات قانونی دستگاه اجرائی» و دیگر نقایص مقررات مناقصات در این مقررات وجود دارد که هر یـک موجب نقص در فرایند معاملات بخش عمومی و خدشـه در فضای کسب‌وکار بخش خصوصی می‌شوند.

پرسـش اینجاسـت که چرا کارکنان دولت تمام آن اصلاحات ضـروری را نادیده گرفته‌انـد و فقط درصدد تغییر همین بند از مقررات معاملات عمومی هستند که اعلام کرده اسـت: «تعاونی‌های کارکنان و صندوق‌های بازنشسـتگی نمی‌تواننـد با دسـتگاه‌های ذی‌ربط خود قرارداد منعقد کنند».

آیا این مهم‌ترین مسـئله در سـاماندهی معاملات و تدارکات عمومی کشور است؟

آیـا «پایگاه ملی اطلاع‌رسـانی مناقصات» (موضوع ماده (۲۳) قانون برگزاری مناقصات) به‌درستی کار خود را انجام می‌دهد؟

آیـا «هیئت‌های رسـیدگی به شـکایات مناقصات» (موضـوع مـواد (۷)، (۸) و (۲۵) قانـون برگـزاری مناقصات) نیازمند هیچ بهبود و اقدامی نیست؟

چرا دولت به‌جای اقدامات سـلیقه‌ای، دل‌بخواهی و سـودجویانه برخی کارکنان دولت به اقدامات شورای گفت‌وگـوی دولت و بخـش خصوصی بـرای اصلاح منطقی و سیسـتماتیک آیین‌نامه‌های قانـون برگزاری مناقصات توجه نمی‌کند؟ و بسـیاری پرسش‌های دیگر که باید در زمینه بهبـود مناقصات، معاملات و تدارکات عمومی باید پرسید.

به‌دنبـال تصمیـم هیئت وزیـران بـر تصویب این آیین‌نامه مؤسسه تحقیق و توسعه در نامه‌ای به معاون اول رئیس‌جمهور مخاطرات این مصوبه را هشدار داده است. متن نامه در ادامه می‌آید:

«جناب آقای دکتر اسـحاق جهانگیری، معاون اول محترم ریاست جمهوری

اسـتحضار دارید که با کمال تأسـف، برخی کارکنان محترم دولت درصدد هستند که برای انعقاد قراردادهای شرکت‌های تعاونی خود و نیز صندوق‌های بازنشستگی خود با دستگاه‌های اجرائی ذی‌ربطشان مسیری تازه باز کنند. این اقدام از طریق حذف تبصره ۲ بند «ت» ماده ۳ آیین‌نامه بند «الف» ماده ۲۶ قانون برگزاری مناقصات در دست انجام است. این تبصره برای رفع وضعیت اسف‌بار معامـلات دولتی طی دهه‌های قبـل در آیین‌نامه‌ها به تصویب رسـیده است و حذف آن کشـور را دچار همان وضعیت آزموده خواهد کرد.

درحالی‌کـه بسـیاری اصلاحات مورد درخواسـت صاحب‌نظران در آیین‌نامه‌های قانون برگزاری مناقصات، کاملا نادیده و بی‌پاسـخ مانده است. اما این درخواست غیرمنطقی در جلسـات مقدماتی دولت تدبیر و امید در اولویت قرار گرفته اسـت و اکنون در دسـتور کار هیئت وزیران به ریاسـت جناب‌عالـی قـرار دارد. اقدامی که تأمین‌کننده منافع ملی نیست و بلکه تأمین‌کننده منافع برخی کارکنان دولت و برخلاف منافع ملی است.

ایـن مخاطرات قبـلا و بارهـا در مکاتبـات متعدد بزرگ‌تریـن نهادهـای قانونـی بخش خصوصـی، به استحضار جناب‌عالی رسیده است. به علاوه گزارش‌های کارشناسی ۱۵۳۴۲ و ۱۵۳۴۸ مرکز پژوهش‌های مجلس و نیز مخالفـت ۱۳۹۶/۷/۱۶ معاونت محترم اقتصادی مرکـز پژوهش‌ها در صحن علنـی مجلس و در حضور ریاسـت محترم سـازمان برنامه و بودجه دولت تدبیر و امید، نشان‌دهنده تمام موارد پیش‌گفته است.

مرکـز پژوهش‌های مجلـس تصریح کرده اسـت: لازم اسـت آیین‌نامه‌هـای قانـون برگـزاری مناقصات بـه صورت منطقی و سیسـتماتیک اصلاح شـوند و نه به‌صورت سلیقه‌ای و دلبخواهی. برهمین‌اساس شورای گفت‌وگوی دولت و بخـش خصوصی، اصلاح منطقی و سیسـتماتیک آیین‌نامه‌های قانون برگزاری مناقصات را در دسـتور کار قرار داده‌اسـت. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران نیز با تشکیل کارگروه مطالعات مقررات تدارکات عمومی، بررسی و اصلاح سیستماتیک آیین‌نامه‌های قانون برگزاری مناقصات را در دست اجرا دارد. اما با کمال تأسـف تمام ایـن مکاتبات، گزارش‌ها، تذکـرات و اقدامات نادیده گرفته شـده و برخی کارکنان دولت اصـرار به اقدامی دارند که پوشـش آن «اصلاح مقررات» است، اما درواقع مصداق بارز «تعارض منافع» و «درب گـردان» محسـوب می‌شـود و از آفـات بزرگ اقتصادی کشور است.

معاونـت محتـرم اول دولت تدبیـر و امید،علیرغم ابلاغیـه صریح جنابعالـی مبنی‌بر الزام به کسـب نظر بخش خصوصی قبـل از تصویب هرگونـه آیین‌نامه و مصوبـه و نیز علیرغـم حکم مـواد ۲ و ۳ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، دراین‌باره کاملا برخلاف قاطبه نظرات بخش خصوصی اقدام شده است.

آیـا ایـن اقـدام، بـا نظـرات و جهت‌گیری‌هـای اقتصـادی خود دولت و اهداف اقتصـاد مقاومتی و نیز جهت‌گیری‌های صریح قوانینـی مانند «قانون راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری» سازگار است؟

آیا این اقدام با جهت‌گیری‌های «قانون بهبود مستمر محیط کسـب‌وکار» و نیـز «لایحه قانونی پیشـگیری از تعارض منافع» سازگار است؟

آیا شایسـته اسـت مصوبه‌ای که دولـت نهم برای حذف آن اقدام نکرد، در این دولت که اعلام کرده اسـت در پی اصلاحات سـاختاری و بهبود فضای کسـب‌وکار است، نسخ یا حذف شود؟

آیا آن مقام محترم برای جلوگیری از این مخاطره که با کمال تأسف در دسـتور کار هیئت محترم وزیران قرار گرفته است اقدام مؤثری را در دستور دارند؟

آیا با توجه به شـعارها و قرارهایی که دولت محترم با مردم در میان گذاشـته اسـت اکنون نباید شاهد یک اقدام مؤثر و مناسب در جلوگیری از این انحراف بزرگ در معاملات حدود ۴۰۰ هزار میلیاردتومانی بخش عمومی باشیم؟.»

خبر

دستور بی‌سروصدای توقف قیمت‌گذاری کالا در اتحادیه‌ها

● صدوچهاردهمین جلسـه هیئت عالی نظارت بر سازمان‌های صنفی کشور که رئیس آن وزیر صنعت، معدن و تجارت است، مصوبه‌ای ابلاغ کرده که طبق آن، قیمت‌گـذاری برای گروه‌های کالایی و خدماتی از اتحادیه‌ها به واحدها منتقل می‌شود. به گزارش ایسنا، در قالب این مصوبه، اعلام شـده است: «بنا بر اعلام مصوبه صدوچهاردهمین جلسه هیئت عالی نظارت بر سازمان‌های صنفی درباره نرخ‌گذاری کالا و خدمات واحدهای صنفی به پیوست ایفاد و به اطلاع می‌رساند حسب مصوبه فوق‌الذکر، تا زمان تصمیم‌گیری شورای اقتصـاد، گروه‌هـای کالایی و خدماتی حذف‌شـده از اولویت قیمت‌گذاری گروه اول و دوم دسـتورالعمل به اسـتثنای پنج مورد (۱- خدمات مشـاوران املاک، ۲- توقفـگاه، ۳- نان حجیـم و صنعتی، ۴- خدمات نمایشگاه‌های خودرو، ۵- خدمات آموزشگاه رانندگی) به گروه سـوم اضافه شـده و مطابق دسـتورالعمل نرخ‌گذاری کالا و خدمات صنفی مصوب ۱۳۹۱/۰۶/۲۷ کمیسیون عالی نظارت، قیمت کالا و خدمات صنفی در این گروه توسط واحدهای صنفی با رعایت مقررات ذکرشده در دستورالعمل تعیین می‌شود و مسئولیت عدم رعایت مقـررات مربوطه، بر عهده واحد صنفی بـوده و اتحادیه‌هـای صنفی مجاز بـه اعلام قیمت نیستند. همچنین حسب اعلام سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران، طی نامه مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۵ نظر به اینکه واحدهای صنفـی نان حجیم که از آرد آزاد اسـتفاده می‌کنند از شمول قیمت‌گذاری مستثنا هستند و ازآنجاکه کلیه واحدهای صنفی نان حجیم از اسـفندماه ۹۳ از آرد آزاد اسـتفاده می‌کننـد و این موضـوع از مرکز اصناف اسـتعلام شـده، بنابراین تا حصول نتیجه هیچ‌گونه قیمت‌گذاری دراین‌باره انجام نشـود». پیش از این نیـز در آخرین روزهـای وزارت محمدرضا نعمت‌زاده مصوبه‌ای ابلاغ شـد که طبق آن اعلام شـده بود برچسب قیمت از برخی کالاهای غیرضروری حذف شـود. این مصوبه در روزهای اول وزارت محمد شریعتمداری تشدید شده و بر فهرست این اقلام افزوده شد و شمار آنها به ۱۳ مورد رسید؛ اما پس از مدتی، به دنبال انتقادات صورت‌گرفته، اجرای آن تا آینـده‌ای نامعلوم به تعویق افتـاد. حال بدون اعلام رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی کافی، چنین مصوبه‌ای خطاب بـه اتاق اصناف صادر شـده که بالطبع ابلاغ چنین مصوباتی می‌تواند مردم را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کند.